

به عنوان یک راهکار و برای آن که ما هم بتوانیم در اقتصاد دنیا حرفی برای گفتن داشته باشیم، اول از همه باید سبک مدیریتمان تغییر کند. باید با تعریف جدید از مدیریت منابع، به تفکیک اولویت‌های سرمایه‌گذاری در اقتصاد بپردازیم. این نگرش، خود مستلزم آن خواهد بود که تفکر اقتصاد بازار محور - یعنی تولید بر مبنای نیاز بازار - را در جامعه بسط دهیم. به موازات، باید به پرورش زیرساخت‌های گوناگون بپردازیم. رفع مشکلات اقتصادی به سبک مشارکتی و با حمایت دولت، حضور ثابت بخش خصوصی در بازی اقتصاد، کاهش نقش اقتصادی دولت و برعکس افزایش نقش کاتالیزوری آن در رشد تجارت، بازرگاری اساسی در نظام بانکی و ترمیم اوراق بازرگانی که راه تأمین مالی را برای بنگاه‌ها آسان‌تر می‌کنند، جملگی از مواردی هستند که باید به آنها پرداخته شوند. در زیرساخت‌های غیراقتصادی، یعنی فرهنگ و اجتماع هم باید تغییراتی بنیادین به وجود آوریم، به طوری که مردم و مسئولین اهمیت خلق ثروت را دریابند و با جان و دل به آن همت گمارند. در نهایت هم متذکر می‌شویم که در این راه باید از هر گونه نگرش بعضاً سیاسی و جناحی پرهیز نماییم و این را بدانیم که خلق ثروت، مربوط به فرد و حزب خاصی نیست، بلکه یک هدف ملی است. باید همت کرد و به قله‌های توسعه رسید. ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره «اقتصاد ایران» را در رابطه با «دریغ از خاک ثروت آفرین» در صفحات ۳۰ - ۳۳ می‌خوانیم.

توان پایین رقابتی بنگاه‌ها، تلاطم اقتصاد سنتی، دانش اندک مدیران و شیوه‌های ناصحیح مدیریتی آنها، عدم درک برخی سیاست‌گذاران از موضوع محدودیت منابع و ضعف تعهد اجرایی آنان به دنبال این عامل سر باز می‌کنند و به تعبیری باعث "سرمایه سوزی" در این کشور می‌شوند. دلایلی چون انعطاف ناپذیری بازار کار به دلیل قوانین و مقررات محدود کننده حاکم بر آن، فقدان ارتباطی معقول بین نظام آموزشی و نیاز بازار کار و در نتیجه عدم مهارت کافی نیروی انسانی و انگیزه پایین نیروی کار برای کار بیشتر و کار مولد ثروت، از دلایل عمده بهره‌وری پایین نیروی کار در کشور به حساب می‌آیند.

فرسنگ‌ها دور از فناوری

بی‌اهمیتی به تکنولوژی روز دنیا، از دیگر مسائلی است که به کندی و عقب ماندگی ما دامن زده است. سیاست‌گذاران ما همواره در سال‌های گذشته، از رشد و تولید تکنولوژی در کشور سخن گفته‌اند، اما عمده آنها در حد حرف باقی مانده‌اند. امروز هندی‌ها با سرمایه‌گذاری‌هایی که در زمینه نرم افزار کرده‌اند، بخش عظیمی از صادرات نرم افزاری جهان را در دست دارند. صنایع بهره‌مند از تکنولوژی‌های برتر (High-Tech)، نمونه دیگری از پتانسیل ثروت سازی دانش فنی است که متأسفانه ما از آن محروم مانده‌ایم. با توجه به فاصله‌ای که امروز میان ما و قدرت‌های برتر اقتصاد جهان افتاده است، باید از راه‌های میان‌بر و با بکارگیری ابزارهای چون مهندسی معکوس (Reverse Engineering)، به چنین تکنولوژی‌هایی دست یابیم.

قدرت و سیاست

مهره‌های بازی در صفحه آسیا

نگاه مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک (IISS) به استراتژی کشورهای آسیایی در سال ۲۰۱۰

و برزیل نگرش تازه‌ای اتخاذ کرده‌اند، اما این نگرش در نهایت از سوی اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل ناپسندیده گرفته شده و دیپلماسی در قبال ایران با چالش مواجه گردیده است. در عین حال از بُعد اقتصادی باید گفت بعد از بحران جهانی اخیر، درست است که خطر اولیه

بحران مالی جهانی موجب شده بسیاری از کشورهای خارج از دنیای غرب در مورد جایگاه خود در جامعه بین‌الملل به نوعی اعتماد به نفس دست یابند. بر همین اساس، در شرایطی که بسیاری از کشورهای غربی با قدرت مالی تضعیف شده خود دست و پنجه نرم می‌کنند، دیگر کشورهای عضو گروه ۲۰ و قدرت‌های بزرگ اقتصادی در نقاط مختلف جهان به فکر اتخاذ مواضع سیاست خارجی مستقل تری هستند. در تحقیقی که مؤسسه IISS به آن پرداخته، این مسأله مورد بررسی قرار گرفته که تغییر در قدرت مالی و اقتصادی کشورها دارای پیامدهای ژئوپلیتیک است و نهادهای جهانی یا منطقه‌ای توانایی مدیریت تغییرات پی در پی فعلی را در امور بین‌المللی ندارند.

سیاست بین‌الملل و نگرش‌های ملی

بحران اقتصادی پس از سال ۲۰۰۸ در نگاه اول از روند رو به رشد چالشی جهانی خبر می‌داد. به دنبال این تهدید، لزوم ایجاد اتحادی جهانی برای جلوگیری از خطرات احتمالی ناشی از شکاف بین کشورها به شدت احساس می‌شد. اکنون، در اواسط سال ۲۰۱۰ کشورهای آسیایی به این رکود به عنوان شکست مالی "فرا آتلانتیک" اشاره می‌کنند و کشورهای گروه ۲۰ ناچار شده‌اند بپذیرند که هر کشور مجبور است خود تشخیص دهد که می‌تواند با بسته‌های محرک مالی همچنان دوام بیاورد یا باید بودجه ریزی‌های سختگیرانه را آغاز کند. این گرایش ژئواکونومیک بین‌المللی، ژئواستراتژی مشابهی هم داشت. همکاری‌های بین‌المللی در مورد پروژه‌های استراتژیک گسترده، کم‌کم تحلیل رفتند و نگرش برخی کشورها نسبت به چالش‌های امنیتی منطقه‌ای و جهانی بیشتر به سمت نگرش‌های ملی معطوف شد. همین عامل باعث شد تا عملیات بین‌المللی در افغانستان تحت تأثیر مناقشات داخلی گسترده بر سر دوام پذیری آن قرار بگیرند. در مورد ایران، با وجودی که ترکیه



سیستم حمایت از تولید داخلی در عرصه اقتصاد تاکنون دفع شده، اما ریسک این سیستم به صورت استراتژیک در حال افزایش است، چرا که بسیاری از کشورها منافع ملی خود را در نظر گرفته و مطابق با آن عمل می‌کنند. این گرایش، اگر چه بیشتر در آسیا مطرح می‌شود، اما در مناطق دیگر هم مشهود و در حال افزایش است.

از طرف دیگر، اگر چه بیم کشورهایی نظیر هند و چین در مورد شکل دهی برنامه استراتژیک بین‌المللی در مقابل دفاع درست از منافع کشورهایشان، آنان را محافظه کار ساخته، اما رشد اقتصادی این کشورها همچنان به افزایش اطمینان به نفس استراتژیک در آنان تداوم می‌بخشد. به هر حال، هر کدام از این دو کشور به جاه طلبی‌ها و توانایی‌های استراتژیک دیگری آگاه است. این دو کشور، گاهی در مرزهای خود و به علت همسایگی با پاکستان، سریلانکا و میانمار در معرض روابط استراتژیک ناخوشایندی قرار می‌گیرند که این نوع تهدیدها بر نوع رفتارهای آنها اثر می‌گذارد. با این حال، هند و چین در برنامه‌های تغییرات آب و هوایی زمین و یا نیاز به دیدگاه‌های بین‌المللی متمایز در مورد اقتصادهای در حال توسعه با هم همکاری می‌کنند و می‌دانند که ساختار سیاسی و امنیتی آسیا تا حد زیادی به چگونگی عملکرد آنان بستگی دارد.

امارات توسط کره‌ای‌ها، این کشور را به بازیگری استراتژیک در خاورمیانه تبدیل کرده است. در اروپا، عمل‌گرایی دیپلماتیک و فردگرایی ترکیه چشم‌ها را خیره کرده است. آنکارا برای گسترش روابط خود با کلیه همسایگانش بسیار تلاش کرده و همچنین در دنبال کردن منافعش در خاورمیانه خط مشی کاملاً مستقلی دارد. بسیاری از کشورها، به ویژه در منطقه خلیج فارس، ترکیه را شریک استراتژیک مهمی برای خود می‌دانند. روابط این کشور با اروپا و آمریکا گاهی به دلیل موضع سرسختانه آن نسبت به مسایل خاورمیانه و روابط تیره و تار با اسرائیل به چالش کشیده شده، اما این مسئله آنکارا را چندان نگران نمی‌کند، چرا که رهبران ترک مزایای برخورداری از یک قدرت مستقل را به محدودیت‌های اتحاد با این کشورها ترجیح می‌دهند.

قطعات بسیار زیادی از این پازل در سطح بین‌الملل همزمان با هم چیده می‌شوند و در این شرایط، کشورهای کوچک و بزرگ برای دفاع از منافع و پیشرفت اهداف خود، بیشتر به ابتکارات استراتژیک خود امید بسته‌اند تا روابط سازمانی و اتحاد با دیگر کشورها. ■

بر خلاف چین و هند، استرالیا، اندونزی و کره جنوبی ترجیح می‌دهند به عنوان "قدرت‌های متوسط" در نظر گرفته شوند تا اطمینان حاصل کنند منافعشان در آسیای چند قطبی حفظ می‌شود. این سه کشور در زمان خود و هنگام نشست‌های مهم آسیایی، نیروهای دیپلماتیک و طرفدار سیاست دینامیک آسیایی تلقی می‌شوند که در این زمینه، گاهی به ژاپن و هند ملحق می‌شوند. استرالیا که همانند کلیه کشورهای آسیایی می‌خواهد بهترین روابط ممکن را با چین برقرار کند، با توجه به این که نمی‌تواند برای حفظ منافع و دفاع از ارزش‌های خود تنها به آمریکا متکی باشد، دیپلماسی خود را به سوی این منطقه از آسیا هدایت می‌کند. اندونزی به واسطه جایگاهش در گروه ۲۰ و موفقیت‌های داخلی، به پیشرفت قابل توجهی رسیده و در عین حال به پروتکل‌های دیپلماسی انجمن کشورهای جنوب شرق آسیا (ASEAN) پایبند است و نمی‌خواهد در توسعه روابط دوجانبه گسترده خود به این گروه‌ها محدود شود.

کره جنوبی، به طور خاص تلاش می‌کند عمل‌گرایی یک قدرت متوسط را فراتر از منطقه خود توسعه دهد. در واقع، باید گفت نتیجه مثبت پروژه ساخت نیروگاه هسته‌ای در

واردات برای گسترش تولید و صادرات

واردات بد نیست، به شرط و شروط

ارزیابی دکتر محمدعلی عباسی، نایب رییس کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران

گره کور وارداتی

بر اثر هزینه کردن بی‌رویه درآمدهای نفتی و با وجود اقتصاد بیمار ایران، بسیاری از بازارهای داخلی شاهد ورود انواع کالاهای مصرفی خارجی در سال‌های

موضوع مدیریت واردات از اهمیت بسیاری برخوردار است و این امر، تلاش مضاعف را برای واردات و صادرات هدفمند و سیاست‌های مرتبط، منظم، پایدار و علم مدار طلب می‌کند. اولین هدف هر نظام اقتصادی، برقراری تعادل پایدار در آن است. تعادل در یک نظام، مربوط به کنترل یا کاهش نوسانات متغیرهای اصلی قیمت و مقدار در محدوده‌های تعیین شده است که چنین تعادلی در تمام کشورها و نظام‌های اقتصادی دنبال می‌شود. حتی در نظام‌های اقتصاد آزاد، دولت در برخی مواقع برای جلوگیری از نوسان متغیرهای اصلی اقدام به دخالت در بازار و اجرای سیاست‌های تنظیمی می‌کند.

در کشورهای در حال توسعه و از جمله کشور ما، این عدم تعادل‌ها در اقتصاد بیشتر است و بالطبع، دخالت دولت در بازار برای برقراری تعادل عرضه و تقاضا و ثبات قیمت‌ها هم نمایان‌تر جلوه می‌کند. از این رو بحث تنظیم بازار و سیاست‌های اعمال شده در جهت توازن بازار و تأمین منابع مصرف کنندگان و به تبع آن، تولید کنندگان در کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

اتکا به تجارت خارجی

به علت وابستگی شدید کشور به درآمدهای صادراتی و ارز واردات مورد نیاز جهت پی ریزی صنعتی، تجارت خارجی نقشی اساسی و انکار ناپذیر در رشد اقتصادی دارد. مطالعات در مورد تجارت خارجی و رشد اقتصادی نشان می‌دهند که صادرات و واردات می‌توانند نقش قابل توجهی در رشد اقتصادی داشته باشند و می‌توان گفت در تحول اقتصادی کشور به سوی رشد، بین الگوی تولید و واردات و صادرات پیوندی ناگسستنی وجود دارد.

با توجه به این که سیاست‌های عمرانی کشور در جهت تشویق و توسعه صنعتی طرح ریزی شده‌اند، در چنین شرایطی واردات به طور طبیعی سیر صعودی خود را طی خواهد کرد، زیرا در مراحل انتقالی توسعه اقتصادی، به تأسیس زیربنای سرمایه‌ای نیاز داریم که واردات کالاهای سرمایه‌ای نقش بسیار مهمی در ایجاد آن دارد. در این رابطه، محدود کردن و تنظیم واردات و به تبع آن مدیریت تراز پرداخت ارزی کشور از طریق تنظیم سیاست‌های اقتصادی، بسیار کارآمد و مؤثر است.



اخیر بوده‌اند. متأسفانه ارزش واردات از ۴۲/۳۸ میلیارد دلار در سال ۸۴ با رشد ۶۱/۸۰ درصدی به ۷۰/۱۹ میلیارد دلار در سال ۸۷ رسیده و به لحاظ وزنی از ۳۵/۴۶ میلیون تن در همین دوره با رشد ۲۴/۴۷ درصدی به ۴۴/۱۴ میلیون تن بالغ شده است. این ارقام نشان از افزایش تقاضا برای کالاهای وارداتی دارند که نتیجه این سیل بی‌رویه واردات، وارد شدن ضربات سنگین به تولیدات داخلی و اشتغال و پُر شدن بازار از کالاهای خارجی معادل است. این میزان واردات از ابعاد گوناگون قابل تفسیر و بررسی است. افزایش واردات بی‌رویه بسیاری محصولات اعم از کالاهای صنعتی، مواد غذایی و کشاورزی موجب شده بسیاری از دست اندرکاران تولید این کالاهای، بارها از شرایط نابسامان ادامه فعالیت خود گلایه کرده و خواستار چاره جویی برای مقابله با این روند شوند. مسئله آنجا بغرنج‌تر می‌شود که افزایش واردات این کالاها تأثیر چندانی در ساماندهی بازار یا کاهش قیمت‌ها نداشته است.

صادرات در کشور ما بیشتر به صادرات مواد خام و کالاهای با ارزش افزوده پایین معطوف است. از سوی دیگر، کالاهایی با ارزش افزوده بالا از جمله مواد اولیه، مواد مصرفی، کالاهای سرمایه‌ای و خدمات وارد می‌کنیم. به عبارتی، در بحث صادرات محصولات با ارزش افزوده بالا ضعف داریم. به این ترتیب، باید هر چه زودتر محیط رقابتی شود تا رشد تولید در اقتصاد رویکرد صادراتی مستمر داشته باشد. در این راستا با توجه به آن که مصارف داخلی محدود است، برای رشد و توسعه اقتصادی و اشتغال، چاره‌ای جز نگاه به بازارهای جهانی وجود ندارد. به عبارت دیگر، واردات باید برای تولید و در جهت تأمین بهینه نیازهای داخلی و صادراتی انجام پذیرد.

با توجه به چگونگی و حجم صادرات و واردات و ترکیب کالاهای وارداتی-صادراتی کشورهای موفق در توسعه اقتصادی، مشخص می‌شود که یکی از عوامل موفقیت این